

جایگاه فراموش شده‌ی حقوق حیوانات در پژوهش‌های حیات‌وحش کشور

احمد براتی

نگاهی گذرا به برخی پژوهش‌های مرتبط با حیات وحش که به شکل مقالات مختلف در مجلات داخلی و خارجی منتشر شده‌اند، نشان می‌دهد در سال‌های گذشته بخشی از جمعیت گونه‌های مختلف حیات وحش کشور در قالب این فعالیت‌های پژوهشی از بین رفته‌اند. انواع گونه‌های خفاش، جوندگان، پرندگان از جمله پرندگان آبی و گونه‌های مختلف گنجشک‌سانان و انواع خزندگان، تنها نمونه‌ی کوچکی از تعداد زیادی از گونه‌های ارزشمند حیات وحش کشور هستند که هر سال به دلیل روش‌های نادرست در طراحی و اجرای پروژه‌های مطالعاتی و عدم پایبندی به اصول اخلاقی تحقیقات روی حیوانات، قربانی می‌شوند. در این نوشتار ضمن تحلیلی بر این وضعیت، به برخی ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های مرتبط با حیات وحش کشور پرداخته شده است.

پژوهش‌ها در حیات وحش که می‌توان آن‌ها را در دو طیف پژوهش‌های کاربردی و بنیادی تقسیم کرد، ابزاری مهم در جهت پیشبرد دانش و شناخت انسان از گونه‌ها و شرایط محیطی آن‌ها هستند و می‌توانند به بهبود وضعیت گونه‌ها و زیست‌بوم‌ها کمک کنند؛ به‌علاوه، پژوهش در مورد گونه‌های مختلف، نقش عمده‌ای در افزایش درک فرایندهای موجود در طبیعت داشته و به رشد و توسعه‌ی شاخه‌های مختلف علوم زیستی از جمله تکامل و سازگاری، رده بندی، رفتارشناسی، بیماری‌ها و کنترل آن‌ها، پویایی و کارکرد جمعیت‌ها منجر شده است؛ با این وجود، هر نوع پژوهشی که به طور مستقیم با حیوانات سر و کار دارد، مستلزم اثراتی است که این فعالیت‌ها بر زندگی گونه‌های هدف دارند و استفاده از حیوانات به عنوان الگوهای مطالعاتی، یک فرایند هزینه-فایده میان ارزش‌های علمی و آموزشی پژوهش‌ها و اثراتی است که این فعالیت‌ها بر وضعیت زندگی موجودات دارند؛ بر این اساس، استفاده از حیوانات در پژوهش‌ها همواره با بحث‌هایی در مورد اخلاق تحقیق همراه بوده است؛ بحث‌هایی که در یک سمت محققان و پژوهشگرانی قرار دارند که در پی کسب اطلاعات از گونه‌ها یا پاسخ به کنجکاوی‌های خود هستند و در سمت مقابل، طرفداران حقوق حیوانات.

اولین سؤال که مطرح می‌شود این است که یک پروژه‌ی تحقیقاتی چه دست‌آوردی خواهد داشت و آیا این دست‌آورد دارای درجه‌ای از اهمیت و تأثیرگذاری است که توجیهی برای آسیب رساندن و کشتن حیوانات باشد؟ و آیا بهترین روش ممکن برای به حداقل رساندن آسیب به جانوران انتخاب شده است؟ به نظر می‌رسد حداقل در مورد بخشی از فعالیت‌های پژوهشی که در ایران انجام می‌شود، جواب سؤالات فوق منفی است. به‌عنوان نمونه در پژوهشی که در دانشگاه تهران انجام شده است ۸۰۰ خفاش از غارهای شمال و غرب کشور گرفته و برای بررسی شیوع نوعی قارچ، کشته شده‌اند.

نتایج، نشان دهنده‌ی عدم شیوع آلودگی به این نوع قارچ در خفاش بوده است (Hashemi and Emami, ۲۰۰۳). در پژوهشی مشابه، تعداد ۱۶۸ خفاش از ۱۱ گونه با هدف بررسی وجود همان نوع قارچ در استان فارس کشته می‌شوند و نتایج این تحقیق هم نشان دهنده‌ی عدم وجود آلودگی به این نوع قارچ در خفاش‌ها بوده است (قاسمی و رضاییان، ۱۳۹۰). اما نکته‌ی قابل توجه این که در توجیه این مطالعات بیان شده که اصولاً شیوع این نوع قارچ در منطقه‌ی خاورمیانه و ایران بسیار نادر است و در تحقیقات مشابه که در مناطق دیگر دنیا انجام شده، تأکید شده است که بدون کشتن خفاش‌ها و تنها با آزمایش خاک در محل‌های تجمع آن‌ها می‌توان شواهدی برای شیوع این نوع قارچ پیدا کرد (Reid and Schafer, 1999).

وضعیت نسبتاً مشابهی در مورد گونه‌هایی که هر سال برای بررسی تجمع فلزات سنگین در بافت‌های مختلف آن‌ها کشته می‌شوند دیده می‌شود. در این نوع فعالیت‌های پژوهشی که تقریباً یک روند معمول در دانشگاه‌های کشور است، تعدادی از حیوانات یک جمعیت برای بررسی تجمع آلاینده‌ها کشته می‌شوند (هر چند در برخی پژوهش‌ها از نمونه‌هایی که به دلایل دیگر از بین رفته‌اند استفاده شده است).

با وجود این که برخی از این پژوهش‌ها منجر به کشته شدن تعدادی از افراد یک جمعیت می‌شوند، به ندرت توجیهی برای کشتن جانوران وجود دارد. به طور مثال، عموماً ارتباط آلاینده‌ها با احتمال مرگ و میر و کارکرد فیزیولوژیک در افراد مشخص نیست و از جنبه کاربردی نیز، به نظر نمی‌رسد کشته شدن تعدادی از افراد یک جمعیت کمکی به بهبود وضعیت افراد باقی مانده کرده باشد. همچنین به این لیست باید افرادی را اضافه کرد که برای استخراج نمونه‌های ژنتیکی، از زیستگاه‌های خود حذف می‌شوند. در مواردی حتی روش کشتن حیوانات نیز مشخص نیست و به واژه‌ی کلی "جمع آوری کردن" بسنده شده است. به طور خلاصه، موارد اشاره شده مثال‌هایی از یک روند نادرست هستند که به نام پژوهش و تحقیقات منجر به صدمه و از بین بردن حیات وحش کشور می‌شوند و به نظر می‌رسد ریشه در تفکری دارند که هر نوع رفتار با حیوانات را به بهانه‌ی پژوهش موجه می‌شمرد.

برای کاهش پیامدهای نامناسب پژوهش‌ها در حیات وحش و جلوگیری از آسیب به گونه‌ها، راه‌حل‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌ترین آن‌ها، پیش‌بینی و درک درست این آثار در مرحله‌ی طراحی فعالیت‌های پژوهشی است. همان‌طور که در مثال مربوط به کشتار خفاش‌ها بیان شد، در موارد بسیاری، روش‌های جایگزین برای نمونه‌گیری از حیوانات وجود دارد. یکی از اولویت‌های اصلی محققین و به‌ویژه اساتیدی که این مطالعات را طراحی و مدیریت می‌کنند، پیدا کردن روش‌هایی است که امکان پیگیری سؤالات پژوهشی را بدون نیاز به کشتن حیوانات مهیا می‌کنند. به‌عنوان نمونه در اکثر نقاط دنیا نمونه برداری از مهره داران برای تحقیقات ژنتیکی بدون کشتن حیوانات انجام و حتی تلاش می‌شود میزان تنش و آسیب وارد شده به حیوانات به حداقل برسد.

همچنین در بررسی‌هایی که در مورد عناصر آلاینده و فلزات سنگین انجام شده است، استفاده از پر در پرندگان (Markowski, 2013) و استفاده از مو در پستانداران (Lodenius and Solonen, 2013) از راه‌های جایگزین و مفیدی هستند که برای جلوگیری از کشته شدن جانوران توصیه شده‌اند. عدم پابندی به رفتار مناسب با جانوران در پژوهش‌هایی که در دانشگاه‌های کشور انجام می‌شود، ریشه در بی‌توجهی به اصول اخلاقی تحقیق و احتمالاً عدم توسعه‌ی روش‌ها و امکانات پژوهشی در دانشگاه‌ها دارد. ممکن است حذف تعدادی از افراد یک جمعیت در قالب یک پژوهش، بی‌تأثیر فرض شود؛ اما با در نظر گرفتن این که هر سال تعداد زیادی دانشجو وارد مراحل تحصیلات تکمیلی در رشته‌هایی مانند محیط زیست، جانورشناسی و زیست‌شناسی می‌شوند و طبیعتاً بخشی از آن‌ها برای فعالیت‌های پژوهشی به نمونه برداری از گونه‌ها روی خواهند آورد، عدم مدیریت درست این روند، ممکن است تبدیل به آسیب جدی گونه‌ها و زیستگاه‌هایی شود که بدون این فشار نیز آسیب‌پذیر و شکننده هستند.

یکی از کارهایی که در مراکز تحقیقاتی معتبر دنیا برای کنترل و مدیریت استفاده از حیوانات در تحقیقات انجام می‌شود، سازماندهی فعالیت‌ها در کمیته‌های حقوق حیوانات (Animal Ethics Committee) است. این تشکیلات وظیفه‌ی نظارت بر استفاده از حیوانات در پژوهش‌های صحرایی و آزمایشگاهی را بر اساس الگوهای اخلاق و فنی بر عهده دارد. بررسی مسائل حقوقی استفاده از حیوانات در تحقیقات، نظارت بر مراکز نگهداری حیوانات، نظارت بر روند اجرای طرح‌های تحقیقاتی و صلاحیت‌های تخصصی افراد برای کار با حیوانات، از جمله مواردی است که مورد توجه

قرار می‌گیرند. همچنین پیش بینی اثرات سوء و آسیب‌های احتمالی گونه‌ها در فعالیتهای مطالعاتی، از اولویتهای و ضرورتهای اجتناب ناپذیر است.

علی‌رغم زمان زیادی که از تأسیس رشته‌هایی مانند محیط زیست و جانورشناسی در کشور می‌گذرد، سازمان‌های تحقیقاتی و به‌ویژه دانشگاه‌های با سابقه، به‌عنوان مراکز تأثیر گذار، الگوی اخلاقی و فنی مشخصی برای فعالیتهای که مستلزم کار با حیات وحش است، ندارند. به‌علاوه، سیاست نامشخص و عدم نظارت صحیح و اصولی سازمان متولی حیات وحش کشور – سازمان حفاظت محیط زیست – بر نحوه و روش به‌کارگیری و استفاده از حیات وحش در تحقیقات، به این موضوع دامن زده است. همان‌طور که بیان شد، ضرورت و اهمیت فعالیتهای پژوهشی در مورد گونه‌های مختلف حیات وحش بر هیچ کس پوشیده نیست؛ اما در عین حال، رعایت اصول اخلاقی و استفاده از روش‌های صحیح که تضمین‌کننده‌ی آسیب کم‌تر به گونه‌ها باشد، بخش مهم و جدایی ناپذیر این نوع تحقیقات است. پایبندی مدیران و طراحان فعالیتهای پژوهشی به اصول اخلاقی و حقوق حیوانات، در نهایت مهم‌ترین عامل جلوگیری از کشته شدن حیوانات و آسیب به جمعیت آن‌ها در فعالیتهای پژوهشی است.

منابع:

Markowski M. et al. 2013. Avian Feathers as Bioindicators of the Exposure to Heavy Metal Contamination of Food. *Bull Environ Contam Toxicol*. 91: 302–305.

The use of feathers of birds of prey as indicators of metal pollution. *Ecotoxicology*. 22:1319-34. Lodenius M, Solonen T. 2013

Reid T.M. and Schafer M.P. 1999. Direct detection of *Histoplasma capsulatum* in soil suspensions by two-stage PCR. *Molecular and Cellular Probes* 13: 269–273

Hashemi SJ, Emami M. 2003. A survey of 800 bats for isolation of *Histoplasma Capsulatum* in Iran. *Acta Med Iran*. 41: 126-131

قاسمی، فرنگیس و رضاییان، عباسعلی. ۱۳۹۰. مطالعه‌ی آلودگی خفاش به هیستوپلازما کپسولاتوم در غارهای شهرستان جهرم. *دنیای میکروب‌ها*. شماره‌ی ۱۱ صفحه‌ی ۱۱۶–۱۰۹

ویرایش: پرتال آموزش و ترویج سازمان دامپزشکی کشور

منبع: پرتال اداره کل دامپزشکی خراسان رضوی به نقل از زیست بوم